

بررسی عوامل اثرگذار در طراحی جداره سازه‌های سنتی در ارتقاء حس تعلق به مکان

آرزو زارعی^۱، عطالله عرفانی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه غیر انتفاعی ایرانمهر قروه، ایران

۲- مدرس دانشگاه غیر انتفاعی ایرانمهر قروه، ایران

Arezoozarei1987@gmail.com

چکیده

امروزه حس مکان و هویت مکان از مهم‌ترین مسائل پیش روی معماری معاصر است. توجه به هویت بنا و عوامل کالبدی و اجتماعی و سایر عوامل می‌تواند حس تعلق مکانی و همبستگی را به شهروندان القا کند و آن‌ها را به همکاری و مشارکت بیشتر در اجتماع تشویق کند. با گذشت سال‌ها، در ساخت بناهای جدید نقش هویت کمرنگ‌تر شده و بناها و عناصر کالبدی تقلیدی و بی‌هویت به طور گسترده‌ای در حال افزایش می‌باشند. این در حالی است که سازه‌های سنتی، در ایجاد فضاهای با هویت موفق بوده و همچنان هویت و جذابیت خود را برای شهروندان حفظ کرده‌اند. بناهای امروزی از درک روح انسانی و تعلق اجتماعی به دور شده‌اند و به همین دلیل توجه به عوامل مؤثر در تعلق به مکان در طراحی جداره سازه‌های سنتی و تعمیم آن به بناهای امروزی یکی از ضرورت‌های مهم در عرصه طراحی مجتمع‌ها و محیط‌های مسکونی می‌باشد. در این مقاله پس از تبیین ابعاد حس تعلق به مکان، نقش عوامل مختلف به خصوص عوامل کالبدی-محیطی و اجتماعی و چگونگی تأثیر این عوامل بر حس تعلق به مکان و همچنین ابعاد و عوامل هویت بخش به جداره سازه‌های سنتی مورد تحلیل قرار گرفته تا بتوان با تأثیر گرفتن از معماری گذشته و سازه‌های سنتی در جهت پررنگ کردن هر چه بیشتر هویت حس تعلق مکان در معماری امروز کشورمان گام برداشت. در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، اسنادی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: جداره سازه‌های سنتی، حس تعلق مکان، عوامل اجتماعی، عوامل کالبدی، هویت

۱- مقدمه

مسئله هویت بخشیدن به معماری معاصر و به تبع آن ایجاد حس تعلق در مکان، مسئله‌ای است که کمتر در نهادهای اجرایی و مسئول مورد توجه قرار گرفته و می‌توان گفت بیشتر بر دوش استفاده‌کنندگان بناها قرار دارد و شدیداً نیازمند بررسی و بازنگری می‌باشد. "در شهرها در حوزه ساختاری و کارکردی دچار مشکلات عمیقی هستیم و زخم‌های کهنه‌ای در آنجا وجود دارد نمونه آن نیز معماری شهرهاست، ما امروزه واقعاً بی‌هویت‌ترین معماری‌ها را در شهرهای خودمان شاهد هستیم" (قالیباف، ۱۳۹۱). دنیای امروزی با نوعی پیچیدگی زندگی، شرایط خاصی را فراهم آورده که انسان را گاه‌ها در حس بلاتکلیفی و سردرگمی فرو برده است. در بناهای امروز انسان با قرار گرفتن در فضاهای متعدد و متنوع احساس لامکانی می‌کند

و در برابر موضوعات جدیدی قرار می‌گیرد از جمله این موضوعات این است که مکان من در این فضاها کجاست؟ و به کدام مکان تعلق دارم؟ (قادرمرزی، ۱۳۹۱: ۹). در شهرهای امروزی به خصوص شهرهای بزرگ و کلانشهرها ما شاهد گسترش و توسعه سرسام آور ساختمان‌های جدید با نوعی بی‌هویتی هستیم که شهروندان را از هر گونه معنا و فرهنگ اصیل خود دور کرده و به سوی زندگی مدرن و روزمره‌گی سوق می‌دهد. در این میان تعلق به مکان، عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط، بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت تداوم حضور در آن می‌باشد (فلاح، ۱۳۸۵). در جداره‌های سنتی، مجموعه‌ای از عوامل محیطی، مناسبات معیشتی، آیین‌ها، مفاهیم اجتماعی و اعتقادی بر پایه حس تعلق به مکان اثر می‌گذارد. شاخصه فرهنگی-اجتماعی سازه‌های سنتی و کارکردهایی که این بناها به عنوان یک عرصه مسکونی در شهرهای ایرانی ایفا کرده و همچنین توجه به نقش مفهوم سکونت در ساختار بناهای گذشته، عامل مهمی در تحقق سکونت جمعی و ایجاد حس تعلق در بناها بوده است که با مطالعات آن‌ها و بهره‌گیری از این تجربیات می‌توان چارچوبی مناسب برای طراحی و برنامه‌ریزی مجتمع‌های مسکونی جهت ارتقاء حس تعلق مکان و در نهایت کیفیت سکونت پیشنهاد داد.

در این پژوهش، تلاش می‌شود با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به رویکرد ارتقاء حس تعلق به مکان در معماری که می‌تواند نقش مهمی در شناخت اصول حاکم بر معماری سنتی کشورمان داشته باشد و همچنین معماران معاصر قادر خواهند بود با شناخت و به‌کارگیری این اصول، حس تعلق مکان را در بناهای امروزی ارتقاء بخشند، به بررسی نقش عوامل اثرگذار در ارتقاء حس تعلق مکان در طراحی جداره سازه‌های سنتی پرداخته و تلاش شده است ضمن پرداختن به این موضوع، به سوالات زیر پاسخ داده شود

- آیا عوامل کالبدی و اجتماعی در طراحی جداره‌های سنتی و شکل‌گیری حس تعلق به مکان نقش دارد؟
- نقش کدام عامل در طراحی جداره‌های سنتی و شکل‌گیری حس تعلق به مکان بیشتر است؟

۲- فرضیه تحقیق

- عوامل کالبدی و اجتماعی در طراحی جداره‌های سنتی و شکل‌گیری حس تعلق به مکان نقش دارد.
- عامل اجتماعی نقش بیشتری در به وجود آوردن حس تعلق به مکان در طراحی جداره سازه‌های سنتی دارد.

۳- پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مکان و حس مکان عمناً به عنوان عاملی وابسته به مؤلفه‌های مختلف شکل-دهنده‌ی فضا صورت پذیرفته‌اند. عمده این مطالعات مشتمل بر انواع مختلفی از روش‌های کمی و کیفی بوده که به بررسی تعاریف مختلفی از مکان و روابط متعامل بین انسان و مکان پرداخته و از مقیاس‌های مختلف بناهای منفرد گرفته تا محدوده شهر و مناطق آن متغیر بوده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به دنبال معرفی مدلی جدید پیرامون ارزیابی حس مکان بوده و به تبیین این مدلها، متدلوژی و اعتبار سنجی آن‌ها پرداخته‌اند. تعداد زیادی از این مطالعات به بررسی و استفاده از روش‌های کمی برای ارزیابی و سنجش مکان و متغیرهای آن در فضاها و بافت‌های مختلف و روابط آن‌ها با متغیرهای کالبدی و یا رفتاری پرداخته‌اند. در جدول زیر پژوهش‌های مرتبط با موضوع حس مکان در دو حوزه داخلی و خارجی و نتایج آن‌ها بیان گردیده‌اند. علی‌رغم پژوهش‌ها و مطالعات قابل ملاحظه در زمینه بررسی مفاهیم و ارزیابی متغیرهای حس مکان که به برخی از آن‌ها اشاره گردید، به نظر می‌رسد جای خالی پژوهش‌هایی که به ارزیابی و سنجش حس مکان در جداره سازه‌های سنتی بپردازند و اثرات و عوامل مختلف مؤثر بر و متأثر از حس مکان تلاش کنند کاملاً محسوس است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش در جهان

پژوهشگران/نظریه پردازان	نظریات / نتایج پژوهش
لینچ ^۱ (۱۹۸۱)	حس مکان با «هویت» در ارتباط می‌باشد و بیان می‌کند که حس مکان گسترده‌ای است که شخص می‌تواند یک مکان را به مثابه یک هستی متمایز از مکان‌های دیگر تشخیص دهد و به یاد آورد.
استیل ^۲ (۱۹۸۱)	حس مکان را تجربه‌ای چون هیجان و استنباط خاطر در یک قرارگاه رفتاری خاص می‌داند و معتقد است که این روح مکان یا شخصیت فضا است که این احساسات خاص را برمی‌انگیزد.
شامای ^۳ (۱۹۹۱)	وی حس مکان را تجربه فضا به وسیله انسان می‌داند؛ به عبارت دیگر مکان ترکیبی از انسان و طرح خاصی از محیط کالبدی زندگی اوست که به واسطه حس کردن به ادراک درآمده و تجربه می‌شود. تمایل به مراجعه یا عدم مراجعه، تداوم و پایداری حضور، بهره‌مندی از مکان و مشارکت در فعالیت‌های آن از این حس سرچشمه می‌گیرد.
زو ^۴ (۱۹۹۵)	حس مکان ترکیب خصیصه‌هایی است که یک مکان را خاص و منحصر به فرد می‌کند و از میراث فرهنگی نواحی حفاظت می‌کند، آگاهی‌های فرهنگی و روابط خویشاوندی را ارتقاء می‌دهد.
مونتگمری ^۵ (۱۹۹۸)	وی معتقد است حس مکان وجه تمایز موفقیت مناطق است و باعث احساس زنده و شادی و نشاط در خلق مکان می‌شوند.
نوربرگسولتز ^۶ (۲۰۰۰)	حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند. دارای هویت مکان‌اند و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است.
سالواسن ^۷ (۲۰۰۲)	حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به وجود می‌آید. موقعیت، منظر، درهم‌تنیدگی فردی، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، فضاها، خصوصی و جمعی در خلق حس مکان مؤثرند.
رلف ^۸ (۲۰۰۷)	حس مکان حسی مشترک از تاریخ محلی و جغرافیا که خود را در ترکیبی از غرور و تعهد به بهبود مکان نشان می‌دهد. ماهیت مکان در تجربه، یعنی از جهت التفات ناخودآگاهانه به مکان است که مکان را به مثابه مرکزی پرمحتوا و عمیق از هستی و وجود بشر، تعریف می‌کند.
کرمونا و تیزدل ^۹ (۲۰۰۷)	طریقی که مکان‌ها در طول زمان کنترل و مدیریت می‌شوند بر حس مکان تأثیرگذار است.

¹ Lynch

² Steele

³ Shamai

⁴ Xu

⁵ Montgomery

⁶ Norberg-Schultz

⁷ Salvesen

⁸ Relph

⁹ Carmona & Tiesdell

جدول شماره ۲: پیشینه پژوهش در ایران

پژوهشگران	نتایج پژوهش
محمدصادق فلاحت (۱۳۸۵)	به بررسی مفهوم حس مکان در دیدگاه پدیدارشناسی محیطی و روانشناسی محیطی، سطوح مختلف و عوامل شکل دهنده آن پرداخته است. در نهایت ضمن رسیدن به این جمع بندی که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی های محیط است، مدلی را برای نشان دادن چگونگی این تأثیرات ارائه کرده است.
محمودی نژاد و همکاران (۱۳۸۷)	به بررسی پدیده مکان در رویکرد پدیدارشناسانه می پردازد. فرایند پدیدارشناسی مکان و مآلفه های مکان شهری را مورد بازخوانی و بازبینی قرار داده و راهکارهایی در مورد ارتقای فضای مکان شهری اشاره داده است.
پروین پرتوی (۱۳۸۷)	به مطالعه پدیده مکان از منظر پدیدارشناسی می پردازد و مقولات مرتبط با مکان را بیان می کند.
علی صمیمی شامی و پروین پرتوی (۱۳۸۸)	به سنجش عناصر مؤثر در حس مکان و بررسی تفاوت آن در بافت های ارگانیک و برنامه ریزی شده پرداخته اند.
علی جوان فروزنده و قاسم مطلبی (۱۳۸۹)	حس تعلق را واجد دو بعد اجتماعی و کالبدی می دانند. و نتایج پژوهش آن ها به برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی تأکید می کند. نکته مهم بدست آمده در این پژوهش نقش محیط و ویژگی های کالبدی آن در شکل گیری حس تعلق است.
پریسا کلالی و آتوسا مدیری (۱۳۹۱)	به بررسی روابط میان معنای مکان، سلسله مراتب حضور انسان و سطوح گوناگون حس مکان پرداخته و معتقدند وجود روابط درونی میان سطوح معنای مکان، وابسته به حضور انسان در مکان و سطح گوناگون حس مکان می باشد.
حسین کاشی و ناصر بنیادی (۱۳۹۲)	پس از بررسی عوامل و عناصر مختلف و نیز طبقه بندی عوامل دخیل در آن، به تبیین مدلی نو از عناصر و فرایند شکل گیری حس مکان و بررسی مدل مذکور در پیاده راه ها پرداخته شده است.
امیرحسین عمادی (۱۳۹۲)	باهداف تأکید بر افزایش کمیت و کیفیت پیاده راه ها، شناسایی معیارهای مطلوبیت پیاده راه ها با تأکید بر مفهوم حس مکان به بررسی مفهوم پیاده راه و حس مکان و عوامل ایجاد کننده و ویژگی های آن پرداخته است. در نهایت شاخص هایی را در رابطه با سنجش حس مکان و راهکارهایی در رابطه با ایجاد حس مکان در پیاده راه ها ارائه می کند.

۴- مبانی نظری

در این قسمت ابتدا به بررسی نقش عنصر هویت در جداره سازه های سنتی پرداخته، چراکه اگر هویت به عنوان بخشی از عناصر کالبدی و فیزیکی در یک فضای معماری باشد در این صورت شاهد ایجاد حس تعلق به مکان در افراد و ساکنین آن بناها خواهیم بود. از این رو در قسمت مبانی نظری به بررسی مفاهیم هویت در بناهای سنتی و حس تعلق مکان و سطوح مختلف حس مکان و همچنین بررسی عوامل به وجود آورنده حس تعلق به خصوص دو عامل اجتماعی و کالبدی می پردازیم.

۴-۱- هویت

دهخدا هویت را به کیستی معنا کرده است و در فرهنگ معین به معنای شخصیت، ذات و حقیقت هر چیز است به معنی آن چه موجب شناسایی شخص باشد. به عقیده «گیدنز» هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد؛ هویت در واقع مجموعه ای از صفات و مشخصاتی است که موجب تشخیص یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می شود، بنا نیز به پیروی از ساکنانش هویت می یابد. هویت در بنا نیز به واسطه ای تداعی خاطرات جمعی ساکنان، تعلقات خاطر و وابستگی های آنان شکل می گیرد. هویت بنا شاید هویت جمعی باشد که در محتوای بنا تبلور می یابد. هر بنا برای آن که بتواند از حداقل انسجام و سازمان یافتگی برخوردار باشد باید در نگاه خود و دیگران دارای نوعی هویت باشد. البته این هویت، لزوماً برای همه بناها دارای مؤلفه های یکسانی نیست و عموماً می تواند شکل چندگانه و پیچیده ای داشته باشد. این عناصر می تواند باتوجه به کارکرد بنا مثل مذهبی یا تفریحی، صنعتی یا تجاری و غیره مربوط باشد، یا به موقعیت های اقلیمی، یا به وجود یک بنا و نقطه شاخص و یا

سکونت گروه‌های اجتماعی خاصی در آن و بسیاری مؤلفه‌های دیگر بنا بر، حوزه فرهنگی و دوره زمانی متفاوت باشد. در یک تعریف موجز می‌توان گفت هویت شهر عبارت‌است از مجموع مؤلفه‌های شکلی، نشانه‌ای، نمادین و مفهومی که یک شهر را تعریف کرده و آن را از سایر شهرها متمایز می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲). هویت در بنا به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در ساکنان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم می‌کند.

جدول شماره ۳: عناصر هویتی بنا (مآخذ: نگارنده)

عناصر هویتی بنا				
عناصر مصنوعی یا ساخته شده بنا	عناصر طبیعی (بستر مکانی بنا)	عناصر کالبدی (سیمای بنا)	عناصر کارکردی (محتوای بنا)	عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) بنا

۲-۴- معنای حس تعلق به مکان

تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸: ۳۷). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان، نقشی برای آن در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌گردد (استیل^۱، ۱۹۸۱: ۴۴). بنابراین حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷).

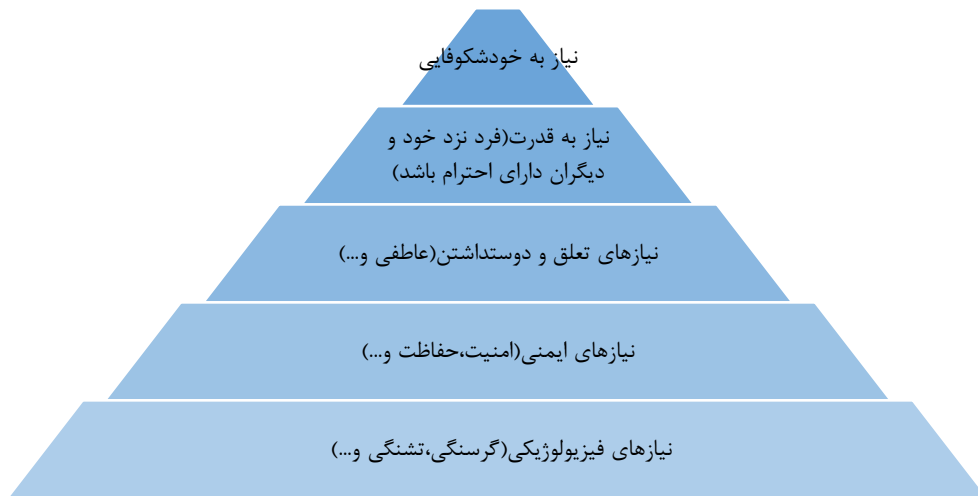
۳-۴- نیاز تعلق به مکان

آدمی به عنوان یک موجود با ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین مادی، روحی و روانی، دارای نیازهای مختلفی می‌باشد که همواره به دنبال تأمین آن‌ها در طول حیات خود است. در این بین، تأمین این نیازها دارای اولویت و سلسله مراتب خاصی می‌باشد. «مازلو» ضمن برشمردن انواع نیازهای آدمی، آن‌ها را بر اساس اولویت برآورد نیازها دسته بندی نموده است. تأمین این نیازها به صورت اولویت‌بندی خاصی است. از مهم‌ترین این نیازها که در صدر هرم اولویت‌بندی قرار دارد، نیاز به خودشکوفایی می‌باشد که لازمه آن تأمین نیازهای ماقبل خود است. انسان چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، میل به بروز و ظهور استعدادهای فطری (خودشکوفایی) دارد (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶).

این امر، زمانی تحقق می‌یابد که سلسله مراتبی از نیازهای انسان از جمله نیازهای تعلق و دوست‌داشتن برطرف گردد. تحقق این سلسله مراتب نیازها بدون شناخت جایگاه آدمی در هستی امکان‌پذیر نمی‌باشد، یعنی انسان با شناخت خود و نیازهایش و ایجاد مکان و محلی مناسب جهت اقیان این نیازها به خودشکوفایی می‌رسد. آگاهی کامل به انواع نیازها و تأمین

¹ Steele

سلسله مراتب نیازها، هرکدام مستلزم بستر و مکان خاص خود می‌باشد، از طرفی کمبود شایستگی‌های محیط منجر به فقدان مشارکت، شخصیت‌زدایی، از دست دادن شایستگی‌های فردی و در نهایت عدم خودشکوفایی می‌گردد (گوفمن^۱، ۱۹۶۳: ۶۵).



شکل ۱- اولویت‌بندی نیازهای انسانی (عینی فر، ۱۳۸۳: ۹۶)

۴-۴- سطوح مختلف تعلق به مکان

طبق بررسی شامای^۲ سطوح مختلف حس مکان، شامل سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان است. او همچنین این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از:

۱. بی‌تفاوتی به مکان؛
۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان؛
۳. تعلق به مکان؛
۴. دلبستگی به مکان؛
۵. یکی شدن با اهداف مکان؛
۶. حضور در مکان؛
۷. فداکاری برای مکان؛

با توجه به این هفت سطح می‌توان گفت که دو سطح اولیه آن، بیشتر به سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط می‌پردازند و از سطح سه به بعد، ابعاد احساس فرد نسبت به مکان مورد توجه قرار می‌گیرند. رلف^۳ نیز بر عمیق‌ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه اشاره می‌نماید و اعلام می‌کند ناآگاهانه بودن حس تعلق، زمانی خود را نشان می‌دهد که فقدان یا جدایی فرد و مکان اتفاق بیفتد و حس تعلق دارای طیف وسیعی از بی‌مکانی تا تعلق و هم‌ذات‌پنداری شدید با مکان گردد. هامون^۴ نیز در مطالعات خود با اشاره به درجا مختلف حس مکان، به وجود تفاوت معنایی در درجات این حس تأکید کرده و نوعی ارتباط اجتماعی عمیق بین محیط و فرد را، به عنوان بعدی از حس تعلق، مورد توجه قرار داده است (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۸۹).

¹ Goffman

² Shama

³ Relph

⁴ Hummon

۴-۵- ابعاد مختلف حس تعلق

برخی از محققین نظیر آلتمن و لو^۱ علاوه بر تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی یعنی گونه‌ای از تعلق به خاطر مردم (استفاده کنندگان) تعبیر نموده‌اند. با این حال، محققین دیگری نیز بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری حس تعلق تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند حس تعلق ضروری می‌دانند. این پژوهش به بررسی عوامل اجتماعی و کالبدی و همچنین بررسی ارجحیت این عوامل بر یکدیگر می‌باشد.

۴-۵-۱- تعلق اجتماعی به مکان

یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه‌های مشترک میان افراد، احساس تعلق و دل‌بستگی را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت اجتماعی وی را می‌سازد مکان است که خود را با آن شناسایی کرده و به دیگران نیز می‌شناساند، طوری که آن را می‌توان خودمانی با فضا نامید و در این راستا فرآیندهای اجتماعی در ایجاد تعلق به مکان بیش از عوامل کالبدی اهمیت دارند (ضازاده، ۱۳۷۸: ۲۳۹). در روانشناسی محیطی، تعلق مکان به رابطه شناختی فرد یا جمع با یک محیط اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است. احساس تعلق و دل‌بستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهرمندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). تعلق مکانی رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است، که در آن زندگی می‌کند و در محیط فرهنگی به وجود می‌آید. این گونه از تعلق عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد، بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می‌باشد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد (کاشانی جو، ۱۳۸۹: ۹۶).

۴-۵-۲- تعلق کالبدی به مکان

تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرآیند شناخت هویت انسانی است. ریجر و لاوارکاس^۲ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه‌داری یاد نمودند که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق، به‌خاطر می‌سپارد. علاوه بر آن تیلور نیز به همراه گروه دیگری در بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی، از آن با عنوان تعامل کالبدی یاد می‌نماید که معادل تعلق کالبدی به مکان است. قبل از این دو، پروشانسکی^۳ بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت فردی انسان اشاره نموده است. وی با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزئی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط‌های مختلف تبیین می‌کند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲). بسیاری از پژوهش‌های اخیر نیز رابطه‌ی مشخصه‌های فضای کالبدی و تعاملات جمعی را محور توجه خود قرار داده‌اند. دیدگاه این تحقیقات بر این است که در هر محیط، فضای کالبدی به مثابه سامانه‌ای فضایی عمل می‌کند که بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است (دانشگر مقدم، ۱۳۹۰: ۲۹).

شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین منظور محیط‌هایی با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط هستند که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد (جوان فروزنده و

¹ Altman & Low

² Riger & Lavrakas

³ Proshansky

مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳). براساس نظریه مکان-رفتار در روانشناسی محیطی، محیط به دو عامل فعالیت و کالبد دسته‌بندی می‌شود. در این ارتباط کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌شود. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی و ارتباط درون و بیرون در فضاها، به ایجاد حس تعلق می‌پردازد. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک نقش مؤثری در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع سامان‌دهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل مؤثر دیگر است.

۴-۶- عوامل شکل دهنده حس تعلق مکان

با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده در این مقاله، حس تعلق در معماری برآیند سه عامل فرد و محیط کالبدی و عوامل اجتماعی می‌باشد. که در یک فرآیند سه قطبی معنای حس تعلق را ایجاد می‌نماید. و سایر عوامل وابسته و تأثیرگذار برای این عوامل می‌باشند. بر این اساس با توجه به تشریح سطوح مختلف حس مکان و همچنین ابعاد مختلف حس مکان، عوامل شکل-دهنده‌ی تعلق در طراحی به صورت زیر ارائه می‌شود.

عوامل متعددی در ایجاد حس تعلق به مکان تأثیرگذار است، دانشپور و همکاران به تبیین این عوامل پرداخته که به‌طور خلاصه در جدول زیر بیان شده است:

جدول شماره ۴: عوامل شکل دهنده‌ی حس مکان، مأخذ (دانشپور، ۱۳۸۸): ۵۰-۳۷

عوامل شکل دهنده‌ی حس تعلق مکان	شرح عنوان
عوامل فردی	افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها می‌باشد مکان را انتخاب می‌کنند و به آن دلبسته می‌شوند.
عوامل کالبدی	مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، وجود محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است.
عوامل اجتماعی	دلبستگی به مکان یا رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آن‌ها در مکان، توسعه می‌یابد.
عوامل فرهنگی	گروه‌ها، خانواده‌ها، اعضای جامعه و فرهنگ‌های مشابه در دلبستگی به یک مکان خاص اشتراک دارند. از سوی دیگر دلبستگی به مکان وابسته به فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند.
خاطرات و تجارب	دلبستگی به مکان عموماً پس از آن که افراد تجربه دراز مدت یا قوی بایک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند است که مکان، معنا می‌یابد.
رضایتمندی از مکان	رابطه‌ی بین فرد و مکان به رضایت وی از مکان و نحوی ارزیابی آن بستگی دارد. و میزان آن وابسته به ادراک فرد از مکان و میزان رضایت او از آن است.
عوامل فعالیتی و عامل	در واقع این امر ریشه در نحوه‌ی تعامل افراد با مکان کالبدی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی دارد.
عامل زمان	عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد.
مشارکت در طراحی مکان	حضور افراد در فرآیند خلق مکان سبب می‌گردد تا آن‌ها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند.

۴-۶-۱- عوامل ادراکی-شناختی فردی

این بعد تعلق، بر عواطف و احساسات انسانی نسبت به مکان و محیط اطراف او تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعامل بین شخص و محرک‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ها می‌داند. تعلق مکان احساسی به احساسات، اوضاع روانی و ذهنیاتی باز

می‌گردد که مردم درباره‌ی مکان‌های مشخص دارند. طبق نظرات گیولیانی^۱ ممکن است هم‌با خود مکان مرتبط باشد و هم‌با جوامعی که به‌وسیله آن تعریف شده و کمک می‌کنند آن مکان تعریف شود (سیاوش پورو همکاران، ۱۳۹۳: ۳). حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد.

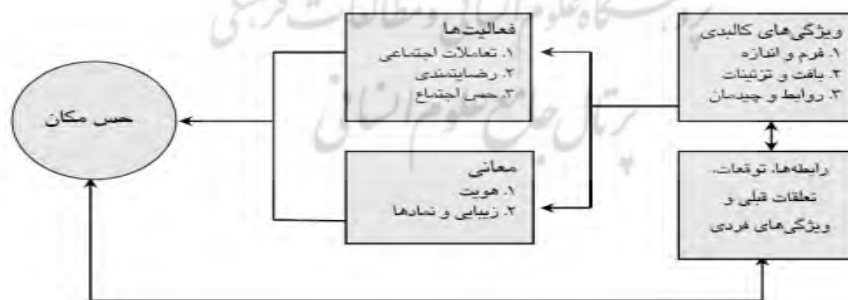
۴-۶-۲- عوامل کالبدی

از نظر فریتز استیل مهمترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان شامل موارد جدول زیر است:

جدول شماره ۵ - عوامل کالبدی مؤثر بر ادراک حس مکان، مأخذ (نوربرگ شولتز، ۱۹۹۷)

اندازه مکان	بافت	مقیاس	صدا
فاصله	رنگ	بو	مقیاس انسانی
درجه محصوریت	تضاد	تناسب	تنوع بصری

از نظر لینچ حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یادماندنی باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد. جنیفر کراس نیز عوامل مؤثر بر حس مکان را بر چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را به صورت‌های زندگی نامه، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایتمندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم‌ها به‌وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت‌مندی با آن حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت، حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیط است (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۲).



شکل ۲: مدل عوامل مهم شکل‌دهنده حس مکان (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳)

۴-۶-۳- عوامل اجتماعی

متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق اهمیت زیادی دارد، به‌طوری که تا قبل از سال ۱۹۷۸ عمده تحقیقات صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی به شکل‌گیری این حس پرداخته‌است و متغیرهای

^۱ Giuliani

کالبدی جایگاهی در تحقیق نداشت. برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته‌اند و آن را عامل اصلی حس تعلق به محیط می‌دانند. از نگاه این رویکرد، برآیند عاملی از تعاملات اجتماعی که در محیط صورت می‌پذیرد موجب شکل‌گیری حس تعلق به مکان می‌شود. بر اساس این رویکرد، محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

محققانی همچون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر و لاواراکاس با پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید کرده‌اند، اما اشاره داشته‌اند که آن‌چه محیط کالبدی را بستر تعامل اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در اصل همه انسان‌ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می‌باشند. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختارشناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند و در اصطلاح انسان‌ها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند. در این دسته‌از عوامل، عناصر کالبدی نظیر فرم‌ها شامل اشکال، بافت و رنگ منبعث از لایه‌های اجتماعی محیط نقش ارتباطی با استفاده‌کنندگان ایفا می‌نمایند که هر یک بر اساس داده‌های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیط، به دست آمده و حاوی معنای خاص خود می‌باشند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳).

۴-۶-۴- جمع بندی مبانی نظری پژوهش

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که عوامل تأثیرگذار بر ایجاد حس تعلق به مکان ناشی از عوامل فردی و عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی (با تمام ویژگی‌هایش) است و سایر عوامل در درجه دوم از اهمیت قرار دارند. از این رو این عوامل در یک دسته‌بندی کلی به دو گروه «عوامل محیطی» و «عوامل فردی» تقسیم می‌شوند و در مرحله بعد عوامل محیطی تأثیرگذار را دو دسته‌ی عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی تقسیم بندی می‌کنیم. که منظور از عوامل کالبدی شاخص‌هایی مانند فرم، روابط و سازماندهی، مکان‌های شاخص و خدمات محلی است، همچنین عوامل اجتماعی، شامل تعاملات اجتماعی، طبقات اجتماعی، تعاون و همکاری‌های محلی و رویدادهای محلی خاطره‌ساز است. عوامل فردی نیز به دو دسته تصورات ذهنی و ویژگی‌های فردی تقسیم می‌شود؛ منظور از تصورات ذهنی، رضایتمندی، امنیت، رابطه‌ها، توقعات و تعلقات قبلی است و ویژگی‌های فردی نیز دارای عوامل شغل، نوع اقامت، فرهنگ مرجع و مدت اقامت است. این تقسیم‌بندی در جدول زیر مشخص شده است:

جدول شماره ۶: عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان (مأخذ نگارنده)

حس تعلق به مکان	عوامل فردی	تصورات ذهنی
		رضایتمندی- امنیت- رابطه‌ها- توقعات- تعلقات قبلی
عوامل محیطی	عوامل کالبدی	ویژگی‌های فردی
	عوامل اجتماعی	فرم- روابط سازمان دهی- مکان‌های شاخص- خدمات محلی
		تعلقات قبلی
		شغل- نوع اقامت- فرهنگ مرجع- مدت اقامت
		تعاملات اجتماعی- طبقات اجتماعی- سایر افراد حاضر در بنا- رویدادهای محلی

۵- نتیجه گیری

هویت در بنا به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات است که معنا می‌یابد. تعلق خاطر و حس وابستگی به محل زندگی مفهومی فراتر از ساکن شدن صرف در یک بنا را دارد. حس تعلق در بناهای سنتی عبارت است از مجموعه عوامل کالبدی و اجتماعی، که هویت یک بنا را شکل می‌دهد و آن را از سایر بناها متمایز می‌کند. با گسترش شهرهای بزرگ و احداث بزرگ راه‌ها و خیابان‌ها و آسمان خراش‌ها، آرمان اصلی طراحی بناهای شهری که زندگی بهتر برای انسان‌ها می‌باشد جای خود را به زندگی صرفاً آسوده‌تر می‌دهد. وما شاهد پیشرفت مدرنی هستیم که نیازهای تعالی انسانی در آن نادیده گرفته می‌شود. یکی از این نیازها در طراحی بناها نیاز به هویت و حس تعلق به بنا می‌باشد. در صورتی که در طراحی بناها به عنصر هویت توجه بیشتری

گردد ما شاهد شکل‌گیری مراتب بالای حس تعلق به مکان در بناها و فضاهای شهری خواهیم بود که در نهایت منجر به ایجاد سرزندگی، وحدت، پویایی و مشارکت مردم در امور اجتماعی خواهیم شد.

در مطالعات انجام شده در پژوهش‌های پیشین، برخی از محققین علاوه بر تأکید به نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی بررسی کرده‌اند. برخی دیگر نیز بر نقش عوامل کالبدی به عنوان عامل مهم در شکل‌گیری حس تعلق تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرآیند حس تعلق مکان ضروری می‌دانند. در انتها در راستای پاسخ‌گویی به سوالات اصلی پژوهش و بررسی فرضیه‌های پژوهش می‌توان گفت که عوامل اجتماعی و عوامل کالبدی در به وجود آمدن و ارتقاء حس تعلق به مکان نقش دارند و این دو عامل در تعامل و برابری با یکدیگر در ایجاد حس تعلق به مکان عمل کرده و ارجحیتی نسبت به یکدیگر ندارند. در یک تعریف کلی می‌توان گفت: حس تعلق به مکان رابطه هویتی فرد با محیط است و تحت تأثیر عوامل کالبدی و محیطی و تعامل این دو عامل شکل می‌گیرد.

منابع

۱. پرتوی پروین (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۴۰-۵۰.
۲. پرتوی پروین (۱۳۸۷)، «پدیدارشناسی مکان»، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۳. پاکزاد جهان‌شاه (۱۳۸۸)، «سیر اندیشه‌ها در شهر سازی ۳»، تهران: انتشارات شهیدی.
۴. جوان‌فروزنده علی، مطلبی قاسم (۱۳۸۹)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن»، نشریه هویت شهر، شماره ۸، صص ۲۷-۲۸.
۵. دانشگر مقدم گلرخ و دیگران (۱۳۹۰)، «تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از درک طبیعت در محیط انسان-ساخت»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، صص ۲۷-۳۸.
۶. دهخدا ع (۱۳۴۵)، «لغت نامه دهخدا»، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
۷. رضازاده راضیه (۱۳۷۸)، «کاربرد علوم محیطی در فرآیند مطالعاتی»، تهران.
۸. سیابوش پور بهرام، شادلو جهرمی مجتبی و مولایی رامشه زهره (۱۳۹۳)، «ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، آبان، مشهد.
۹. صمیمی شرمی علی، پرتوی پروین (۱۳۸۸)، «بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده، مورد پژوهشی: محلات ساغری‌سازان و بلوار گیلان در شهر رشت»، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۳.
۱۰. عمادی امیرحسین (۱۳۹۲)، «پیاپی راه‌سازی مبتنی بر حس مکان، راهکاری جهت خلق شهرسازی پایدار»، اولین همایش ملی جغرافیا شهرسازی و توسعه پایدار، تهران.
۱۱. فکوهی ن (۱۳۸۹)، «هویت و بی‌هویتی شهری»، نشریه نوین کرج.
۱۲. فلاحت محمدصادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.
۱۳. قادرمرزی ح (۱۳۹۱)، «احساس تعلق به مکان، درباره یک مفهوم حیاتی در معماری»، روزنامه شرق، شماره ۱۵۳۳، صص ۹.
۱۴. کاشانی‌جو خشایار (۱۳۸۹)، «باز شناخت رویکرد نظری به فضاهای عمومی شهری»، مجله هویت شهر، بهار و تابستان ۸۹، صص ۹۵-۱۰۶.
۱۵. کلالی پریسا، مدیری آتوسا (۱۳۹۱)، «تبیین نقش مؤلفه معنادر فرآیند شکل‌گیری حس مکان»، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲.
۱۶. کاشی حسین، بنیادی ناصر (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان، حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد آن»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۳.
۱۷. لنگ جان (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)»، ت: علی‌رضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. محمودی نژاد هادی، پورجعفری محمدرضا، جهانیان محمدرضا، انصاری مجتبی و تقوایی علی اکبر (۱۳۷۸)، «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای مفهوم فضا به مکان شهری»، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۰، شماره ۴

19. Carmona, M. & Tiesdell, S. (eds) (2007) *Urban Design Reader*, Oxford: Architectural Press.
20. Goffman, E. (1963). *Behavior in Public Space*, New York: Free Press.
21. Hummon, David, (1992), *Community Attachment: Local Setiment & Sense Of Place* , Plenum, New York.
22. Lynch, K, (1981), *Good City Form* , MIT Press, Cambridge MA and London.
23. Montgomery, j (1998) *Making a City: Urbanity, and Urban Desing*. *Journal of Urban Desing*, 3: 1, 93-160.
24. Norberg ° Schultz, Christian (2000) *Architecture: Presence, Language, Place*, Skira, Milan, Italy.
25. Proshonsky, H, M. Fabian, A. k & Kaminoi, R. (1983), *Place ° identity: Physical World Socialization of the Self* , *Journal of Environmental Psychology*, vol 3, pp 57-83.
26. Relph, E, (2007) *Spirit of Place and Sense of Place in Vitual realities Techne*, 10(3), 17-24.
27. Relph, E, (1976), *Place and Placelessness*, London, Poin.
28. Riger, Stephanie & Lavrakas, Paul J. (1981), *Community ties: Pat °Tems of attachment and Social interaction in urban neighborhoods*. *American Journal of Commyunity Psychology*, 9, 55-66.
29. Steele, Fritz, (1981), *The Sense of Place*, Boston, CBI Publishing Company, Boston.
30. Salvesen, David, (2002), *The Making of Place; Research on Place & Space Website*, 20 Feb. (2003), 12 Mar, Available at <http://www.Aatr.net/print ° 4108.html>.
31. Shamai, Shmuel, (1991), *Sense of Place: an empirical measurement*, *geoforum*, vol. 22, no 3, pp:347-358.
32. Xu, Yan, (1995), *Sense of Place and Identity*, *Research On Place & Space Website*: 20 Feb. 2003; 12Mar 2003; <http://www.es- Iarp. Uiuc. Edu / La / LA437. F95/ repots / Yards/ Main . hmtt>.

